



مشکلات اجرایی شدن سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش (یک مطالعه فرا تحلیلی)

تکتام نعمتی^۱، علی غفاریان پناهی^۲

^۱ استادیار دانشگاه فرهنگیان

^۲ دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

ارتباط با نویسنده: nemati.toktam@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ انجام اصلاحات: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

Problems of Fundamental Reform Document of Education (FRDE) in the Education System in Iran (A Meta-Analysis)

Tectam Nemati¹, Ali Ghaffarian Panahi²

1- Assistant Professor, Farhangian University

2- Ph.D. Student, Azad University, Central Tehran Branch

Received 06/08/2018, Revised 06/09/2018, Accepted 16/09/2018

چکیده

در پژوهش حاضر باهدف بررسی مشکلات اجرایی شدن، سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و شناخت چالش‌های آن انجام شده است. در این پژوهش از طریق روش فرا تحلیلی کیفی، به جمع‌آوری مقالات و پژوهش‌های مرتبط با سند آموزش و پرورش، تحلیل پژوهش‌های استخراج شده، استخراج داده‌های مورد نظر، طبقه‌بندی اطلاعات و داده‌های استخراجی و در نهایت تجزیه و تحلیل اطلاعات مرتبط پرداخته شده است. محقق در گام اول به توصیف سند ملی آموزش و پرورش پرداخت و در ادامه تحلیل مشخصات و مؤلفه‌های آن و در نتایج کمی و کیفی تحقیقات مرتبط با سند به صورت طبقه‌بندی شده در کنار هم ذکر گردید و در نهایت یافته‌های پژوهش از درون آن استخراج گردید. بر اساس نتایج پژوهش، سند ملی آموزش و پرورش با چالش‌های درونی و بیرونی درگیر و می‌توان به برخی از این چالش‌ها هم چون عدم رعایت ضعف در تحلیل محیطی و تبیین وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب، عدم توجه کامل تفاوت‌های فرهنگی، ضعف در نگاه عدم تصدی‌گری و تمرکززدایی در نظام تعلیم و تربیت و تأثیر دوسویه آن بر نظام تعلیم و تربیت کشور، مشارکت عموم، تأثیر تحولات سیاسی و دولتی بر تحول بنیادین آموزش و پرورش، تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مسیر تحول بنیادین آموزش و پرورش و تأثیر تحولات اقتصادی بر تحول آموزش و پرورش نام برد. نتایج نشان داده است آموزش و پرورش که متکی صرف به درآمدهای دولتی باشد، تحولات و بحران‌های اقتصادی بر چشم انداز و مسیر توسعه آن تأثیر گذار خواهد. در بررسی صورت گرفته، مشخص شده است سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به این موضوع به طور کامل نپرداخته و در خصوص آن جهت‌گیری و اتخاذ سیاست راهبردی گویایی را در پیش نگرفته است.

کلمات کلیدی: نظام تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، تحلیل اقتصادی، سند تحول بنیادین



مقدمه

تاکنون، طی مراحل بنیان‌گذاری، توسعه و حتی اهتمام برای ایجاد تحول بنیادی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای نظری مشخص، مدون، بهره‌مند از دستاوردهای معتبر علمی، متکی بر نظام فکری و ارزشی اسلام و هماهنگ و سازگار با خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و بومی کشور استوار نبوده است. (فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸). از آغازین روزهای انقلاب اسلامی، ایجاد تحول در آموزش و پرورش به منظور تعمیق و استمرار انقلاب فرهنگی دغدغه رهبران و مسئولان ارشد نظام نوپای اسلامی بوده است و بر ضرورت آن پای فشرده‌اند و مطالعات در زمینه چگونگی هدایت و مدیریت نظام آموزش و پرورش کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید (گزارش اجمالی از روند تهیه و تدوین، اعتبار و تصویب سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰). با توجه به تاریخچه مربوط به تدوین سند ملی آموزش و پرورش، ابتدا این مطالعات با رویکرد ایجاد اصلاحات در نظام آموزش و پرورش آغاز شد. (مصوبات هیئت دولت ۱۳۸۲) اما در ادامه با توجه به تبیین دقیق‌تر نیازهای کشور، رویکرد تحول بنیادین بنا به ضرورت‌های زیر مورد تأکید واقع گردید. (گزارش اجمالی از روند تهیه و تدوین، اعتبار بخشی و تصویب سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰). ناسازگاری‌ها، مستلزم ایجاد تحول اساسی و بنیادی و نه اصطلاحات صوری، جزئی و مقطعی در این نظام است و به دلیل اهمیت موضوع، طی ۱۰ سال گذشته تدوین فلسفه آموزش و پرورش اسلامی و برنامه‌ریزی راهبردی و راهبردی برای تحول در نظام آموزش و پرورش در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته است. با تشکیل کمیته‌های تخصصی و حرکت ملی در این زمینه، سند ملی آموزش و پرورش تدوین و در سال ۱۳۹۰ برای اجرا به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) به منظور ایجاد تحول بنیادین در آموزش و پرورش، نظرات مختلفی مطرح گردید که هر کدام نسبت به روش‌های ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت، از مواضع علمی و عملی متمایز و در موارد مشترک برخوردار بوده‌اند. (نفیسی ۱۳۹۰). بررسی الزامات ورود به فضای تحول در آموزش و پرورش، تبیین ضعف‌ها و نقایص سند ملی آموزش و پرورش و میزان قابلیت اجرای آن، از جمله رسالت‌های مجموعه‌های دانشگاهی است و در این تحقیق تلاش خواهد شد به این سؤال پاسخ داده شود که خطرات و چالش‌های درونی و بیرونی در اجرایی شدن سند ملی آموزش و پرورش شامل چه مواردی هست. به اعتقاد صاحب‌نظران و کارشناسان تعلیم و تربیت، تحول بنیادین در آموزش و پرورش موجود، به دلایل مختلف، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این مدعا، عدم اعتناء نظام فعلی آموزش و پرورش بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است. نهاد آموزش و پرورش با شکل و شمایل فعلی خود، به عنوان یک نهاد مدرن در عصر مدرنیته و مبتنی بر بنیان‌های نظری و فلسفی این دوره تاریخی، در سرزمین غرب متولد شده و با به همراه داشتن فرهنگ زادگاه خویش به سایر کشورها تسری یافت. پیامد این فرهنگ، دردها و رنج‌های جانکاه فردی و اجتماعی در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که بشر امروز را به شدت رنجور، مضطرب و مأیوس کرده است. نظام آموزش و پرورش ایران نیز به رغم تاریخ پر بار فرهنگی و تمدنی خویش، از این قاعده کلی مستثنا نبوده است، به همین دلیل بسیاری از چالش‌ها، کاستی‌ها و مسائلی که آموزش و پرورش با آن دست و پنجه نرم می‌کند، ریشه در مبانی نظری این نظام دارد؛ زیرا این مبانی با اعتقادات، باورها، انتظارات و فرهنگ ایران هم‌خوانی ندارد. این ناهم‌خوانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی خودنمایی فزون‌تری کرد و به رغم تلاش قابل‌تقدیر و زحمات تحسین‌برانگیز در سطوح مختلف کشور در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی این کاستی هنوز به قوت خود باقی است و در تمامی سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، فرایندها و روندها سایه افکننده است. با توجه به اقدامات انجام‌شده طی چند سال گذشته در راستای تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی راهبردی پیش‌بینی‌شده در این خصوص از طریق تصویب سند ملی آموزش و پرورش در شورای عالی انقلاب فرهنگی، به نظر می‌رسد لازم است موانع و چالش‌های پیش روی در مسیر تحقق و اجرایی شدن برنامه بلندمدت کشور در



حوزه تعلیم و تربیت نیز مورد بررسی قرار گیرد. چرا که در صورت عدم توجه به این موانع و تصور اینکه با تدوین اسناد بالادستی می‌توان تحول مدنظر را اجرا و پیاده نمود، به منزله مقصود نخواهیم رسید. بدون شک نقد و بررسی اصل برنامه و مطالعه لازم در خصوص چالش‌های پیش روی آن و تمهید مقدمات لازم جهت رفع موانع و مقابله با چالش‌ها به تحول بنیادین کمک شایانی خواهد نمود. به همین دلیل بر آن شدم تا با نقد و بررسی سند و استخراج فهرستی از چالش‌های پیش روی آن ضمن ارائه راه کارهای اثربخش در این حرکت ارزشمند ملی نقش کوچکی را ایفا نمایم.

روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق فرا تحلیل کیفی است. در تحقیق حاضر در ابتدا در دو گام به توصیف و تحلیل مقوله تعلیم و تربیت و سند ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده و در ادامه به صورت فرا تحلیل به سؤالات پژوهش پاسخ داده خواهد شد. اصل اساسی در فرا تحلیل عبارت است از ترکیب نتایج تحقیقات مختلف و متعدد و استخراج نتیجه‌های جدید و منسجم و حذف آنچه موجب سوگیری در نتایج نهایی می‌شود (دلاور، ۱۳۹۴). ترکیب و تلفیق کردن نتایج حاصل از تحقیقات گذشته به تکمیل و یکپارچه‌سازی همه تلاش‌های تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفتن کمک می‌کند. مرور بر تحقیقات گذشته جدا از پیوند بین پژوهش‌های گذشته و آینده باعث تجمیع و سازمان‌دهی منطقی مطالعات متعدد و پراکنده در یک زمینه خاص می‌شود (فیروزجانیان ۱۳۹۶). فرا تحلیل وسیله‌ای است برای تحلیل اطلاعات حاصل از چند پژوهش و در نتیجه کشف روابط تازه‌ای که از مطالعات جداگانه و انفرادی به دست نمی‌آید. (شکر کن ۱۳۹۵). قلمرو تحقیق شامل کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه‌ها، مقالات و پایگاه‌های مربوط به فلسفه و تعلیم و تربیت است. جامعه و حجم نمونه: جامعه پژوهشی در این تحقیق شامل کلیه مطالب مندرج در کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌ها در زمینه موضوع پژوهش بوده و حجم نمونه بر اساس منابع در دسترس و موجود و در حد بضاعت علمی محقق است. گردآوری اطلاعات بر اساس روش فیش‌برداری و مطالعه کتابخانه‌ای از کلیه مطالب مندرج در کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌ها در زمینه موضوع پژوهش بوده است.

براین اساس روش فرا تحلیل به دو صورت کمی و کیفی و بر اساس مراحل زیر از بین منابع مرتبط با سند ملی آموزش و پرورش و پژوهش‌های انجام شده در خصوص تحول نظام تعلیم و تربیت کشور، تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام به صورت مراحل جمع‌آوری پژوهش‌های مرتبط با سند، تحلیل پژوهش‌های استخراج شده، استخراج داده‌های مورد نظر، طبقه‌بندی اطلاعات و داده‌های استخراجی، نتیجه‌گیری و تحلیل نهایی انجام شد.

یافته‌های پژوهش

به منظور تدوین زمینه‌ها و عوامل چالش‌برانگیز در تحقق سند ملی آموزش و پرورش بر اساس یک دسته‌بندی کلی چالش‌ها به دو بخش تقسیم شد.

(۱) چالش‌های درونی که مربوط به کیفیت تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اجرای آن است.

(۲) چالش‌های بیرونی که فراتر از دستگاه تعلیم و تربیت است و مرتبط با سایر نهادها و مجموعه‌ها و همچنین موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره است.



بدین منظور با فرا تحلیل مقالات و پژوهش‌های مرتبط در ابتدا نتایج کمی و کیفی تحقیقات به صورت طبقه‌بندی در کنار هم ذکر گردید و در نهایت یافته‌های پژوهش از درون آن استخراج شد.

۱- چالش‌های درونی

الف- عدم رعایت کامل اسلوب سند نویسی و فرآیند تدوین اسناد جامع و راهبردی:

بررسی مطالب استخراج و گزیده شده نتایج قابل تأملی را در پاسخ به این سؤال که آیا در تدوین سند ملی آموزش و پرورش از یک اسلوب مشخص و صحیح استفاده شده نشان می‌دهد. آنچه در این بخش از اهمیت برخوردار است عدم اعتناء اسناد جامعه راهبردی نظام تعلیم و تربیت بر اساس الگوها و نظریات علمی متقین و مستحکم است. در صورت عدم بهره‌گیری از این الگوها و نبود مؤلفه‌ها و شاخصه‌های دقیقی برای تدوین اسناد بالادستی، اسناد تدوین شده از کارایی لازم برخوردار نخواهد بود و بالعکس در صورت رعایت موارد مذکور امید نیل به اسنادی پویا، جامع، پاسخ‌گو و کارآمد افزایش خواهد یافت.

موضوع اول آن است که با توجه به مقوله مدیریت دانش در تدوین اسناد بالادستی، مطالعه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حاکی از نقش کم‌رنگ مدیریت دانش در سند است. بررسی سوابق و پیشینه کسانی که به صورت موقت و یا مستمر در تدوین سند مشارکت داشته‌اند نشان می‌دهد که غالب این افراد متخصصان حوزه‌های علوم انسانی به ویژه علوم تربیتی و در مواردی متخصصان مدیریت راهبردی و راهبردی بوده‌اند. جدول مشخصات مطالعات کمیته مطالعه مؤلفه‌های اصلی آموزش و پرورش و موضوع دوم در بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش میزان رعایت اصول و قواعد علمی در زمینه اسناد راهبردی، نقشه‌های جامع، نقشه راه و مواردی از این قبیل است. از بررسی اطلاعاتی که در زمینه نقشه راه، تدوین اسناد بالادستی و نقشه‌های جامع ارائه شد و تطبیق آن‌ها با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چند نکته اساسی دیگر نیز قابل استخراج است.

اول آن که تدوین سند باید بر مبنای الگوهای نظری مشخص باشد. بررسی سند و مجموعه کتب درسی منتشر شده در تبیین و تشریح آن، پاسخ روشنی را به سؤالات زیر ارائه نمی‌نماید.

- تدوین سند مبتنی بر چه الگو یا الگوهای انجام پذیرفته است؟
- آیا الگو و یا الگوهای استفاده شده متناسب با نیازهای کشور بومی شده است؟
- از کجا می‌توان به این اطمینان افزایها و دسته‌بندی‌های انجام شده در سند، جامع مانع است؟
- آیا نسبت به صحت نتایج حاصل از الگو یا الگوهای به کار گرفته شده اقدامی انجام پذیرفته است؟

دوم آن که یکی از ویژگی‌های مهم اسناد راهبردی و نقشه‌های جامع شفافیت و پرهیز از کلی‌گویی محض است. این مهم در سند به ویژه در بخش اهداف، خصوصاً اهداف راهبردی، اهداف عملیاتی و راه‌کارها کاملاً مشهود است. کلی‌گویی آفت امکان برخوردی سلیقه‌ای و قرائت‌های مختلف و در نتیجه انحراف از اهداف اصلی را به همراه خواهد داشت. نکته قابل توجه آن است که در سند گزاره‌هایی هم چون راهکار ۵-۵ «اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان‌ها به‌ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی ایرانی دانش آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی» یافت می‌شود که برخلاف



سیاق تدوین‌کنندگان در مقایسه با گزاره‌های هم‌رتبه خود کاملاً جزئی و مصداقی است. این مسئله ضمن اثبات این حقیقت که الگوی نظری و عملی تدوین سند مشخص نیست، تناقض در گزاره‌های سند را نیز نشان می‌دهد. در بررسی تبعات کلی‌گویی و عدم شفافیت می‌توان به مثال مقطع پیش‌دبستانی از نظام آموزشی و هم‌چنین استقرار نظام ۳-۳-۶ اشاره نمود که حاصل برداشت‌های سلیقه‌ای و قرائت‌های مختلف از سند است. مقطع پیش‌دبستانی علی‌رغم اشاره سند به این مقوله در راه بردهای کلان و راهکارهای ذیل اهداف عملیاتی در زیر آورده خواهد شد، به دلیل کلی‌گویی و عدم شفافیت حذف گردید.

موضوع سوم اینکه لازم است اسناد بالادستی و از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از ویژگی زمان‌دار بودن برخوردار بوده و در عین پرهیز از کلی‌گویی و عدم شفافیت در نمودار زمان ترسیم گردند. در حال حاضر اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر نمودار زمان ترسیم نگردیده و تنها به اجرای آن در چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور بسنده شده است و همان‌گونه که ذکر شد نقشه راه نموداری است بر محور زمان که سطوح مختلف و برنامه‌های آن برای دستیابی به اهداف کلان را نشان می‌دهد. البته این نکته که زمان پیش‌بینی شده بر اساس چه فرآیندی استخراج گردیده و آیا سند در بازه زمانی چشم‌انداز بیست‌ساله کشور قابل اجرا و تحقق است موضوعی است که لازم است در جای خود مورد بحث و ملاحظه قرار گیرد.

ب- ضعف در تحلیل محیطی و تبیین وضع موجود، عدم توجه کامل به تفاوت‌های فرهنگی

با مرور تحقیقات علمی اهمیت توجه به تفاوت‌های فرهنگی در نظام تعلیم و تربیت کشور انکارناپذیر خواهد بود. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزه جامعه چند فرهنگی و تفاوت‌های فرهنگی اهداف و راه‌کارهایی ذکر گردیده است. بندهای ذکر شده در بخش راه‌کارها تمامی گزاره‌هایی است که به نحوی مستقیم و غیرمستقیم به مقوله تفاوت‌های فرهنگی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اشاره می‌نماید. بررسی این گزاره‌ها ضمن ادعان صحت توجه سند به تفاوت‌های فرهنگی ایراداتی را نیز نمایان می‌سازد که از جمله زمینه‌های چالش‌برانگیز سند در مسیر تحقق خواهد بود. اول آن که گزاره‌های فوق بیشتر از منظر عدالت آموزشی و تربیتی به موضوع تفاوت‌های فرهنگی پرداخته و این تفاوت‌ها را نیز بیشتر در تقسیم‌بندی شهری و روستایی، برخوردار و محروم، مرزی و غیر مرزی، پررنگ نموده است دوم آن که تفاوت‌های فرهنگی و وجود اقوام گوناگون در جامعه ایران فرصت‌های ویژه‌ای را ایجاد نموده و توجه به اقوام مختلف ایران، احصاء ویژگی‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی آنان، برنامه‌ریزی در جهت رشد و گسترش نقاط برجسته و تحسین برانگیز فرهنگ هر قوم و ایجاد زمینه‌های جهت اصلاح، ترمیم و تکمیل فرهنگ اقوام و مواردی از این قبیل مورد توقع از نظام تعلیم و تربیت کشور است و سند از این منظر به تفاوت‌های فرهنگی نپرداخته است. سوم آن که در شرایط فعلی کشور عدم توجه به فرهنگ اقوام ایرانی موجب نوعی بی‌هویتی فرهنگی، وادادگی فرهنگی، بی‌اعتمادی اقوام ایرانی نسبت به سیاست‌های فرهنگی کشور و هم‌چنین شیوع فرهنگ‌های تقلیدی از کشورهای غربی شده و عدم توجه سند به وضع موجود و ضرورت رویکرد فعالان در این حوزه با اشاره به نقدهای یادشده در فوق موجبات چالش سند در تحقق اهداف کلان را فراهم خواهد آورد. در نهایت چهارم آن که در بخش تفاوت‌های فرهنگی و ویژگی‌های جامعه چند فرهنگی اشاره به تعامل بین اقوام ایرانی، شناخت متقابل نسبت به یکدیگر و... گردید و هم‌چنین در بحث آموزش دوزبانه‌ها اشاره به اهمیت و چگونگی پرداختن به آن شد. علی‌رغم اهمیت و ضرورت توجه به این موارد در وضع موجود، اشاره کلی با تأکید بر توجه به مقتضیات تفاوت‌های فرهنگی و یا دوزبانه‌ها بدون توضیح جامع‌تر و جهت‌گیری‌های دقیق‌تر و شفاف‌تر شده است. در واقع می‌توان گفت سند در توجه به وضع موجود اقوام ایرانی که در فوق بخشی از آن اشاره شد تا حدودی مسکوت بوده و این موضوع یکی از مواردی است که به دلیل عدم توجه سند به وضع موجود از جمله زمینه‌های چالش‌برانگیز در تحقق آن محسوب می‌گردد.

ج- ضعف در نگاه عدم تصدی‌گری و تمرکززدایی در نظام تعلیم و تربیت:

نتایج ذکرشده در این بخش تمامی گزاره‌هایی است که به نحوی مستقیم و غیرمستقیم به مقوله ساختار مدیریتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اشاره می‌نماید. بررسی این گزاره‌ها ضمن اذعان به صحت توجه سند به باز مهندسی ساختار نظام تعلیم و تربیت ایراداتی را نیز نمایان می‌سازد که از جمله زمینه‌های چالش‌برانگیز سند در مسیر تحقق خواهد بود. بر اساس مطالب ذکرشده از تحقیقات علمی، آنچه وضعیت فعلی نظام تعلیم و تربیت کشور را در امر ساختار مدیریتی شکل می‌دهد، دیوان‌سالاری و تمرکز در حوزه‌های تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا است. موضوعی که بر اساس تحقیقات علمی یادشده نظام تعلیم و تربیت را از تحول بنیادین خود بازمی‌دارد. بر اساس نظرات علمی محققین آنچه موجبات تحولات بنیادین آموزش و پرورش را فراهم خواهد آورد پرهیز از تصدی‌گری و پایه‌ریزی ساختار نظام تعلیم و تربیت بر اساس نگاه مدرسه محوری است. وضعیت سایر کشورهای جهان در حوزه توجه به مدارس و افزایش سطح اختیارات در سطوح محلی و منطقه‌ای نیز بر اساس ارائه جداولی از نوع و میزان تصمیم‌گیری‌ها در ۱۴ کشور عضو OECD تبیین گردید. گزاره‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در این خصوص نشان می‌دهد که تدوین‌کنندگان به شرایط وضع موجود ساختاری آموزش و پرورش توجه داشته‌اند، لیکن جهت‌گیری و گذارهای سند در بخش‌های مختلف آن نشان می‌دهد این توجه در حوزه باز مهندسی نظام مدیریت آموزش و پرورش جامع و کافی نبوده است چرا که صراحت از راه بردهایی اساسی در شکست دیوان‌سالاری موجود و پررنگ نمودن نقش مدرسه و در نهایت سیاست فعالانه در باز نمودن غلو زنجیره‌های اداری و ساختاری از پای مدارس کشور، استفاده ننموده است. در واقع به علت عدم توجه جامع سند به این محدودیت و مضیقه موجود در ساختار آموزش و پرورش می‌توان پیش‌بینی نمود که سند در مراحل اجرا جهت تحول بنیادین آموزش و پرورش با چالش جدی مواجه گردیده و مجدداً آموزش و پرورش در وضعیت فعلی خود باقی بماند.

۲- چالش‌های بیرونی

الف- مشارکت

در کتاب روش‌شناسی و فرآیند تدوین سند ملی آموزش و پرورش که به سفارش دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش تدوین گردیده است، مجموع افراد حقیقی و حقوقی دخیل در تدوین سند شامل جمعی از کارشناسان و مدیران ستادی، اساتید برجسته علوم تربیتی کشور و هم‌چنین کمیته متشکل از مدیران آموزش و پرورش و نخبگان استانی معرفی گردیده و به منظور برانگیختن مشارکت مخاطبان مستقیم و غیرمستقیم آموزش و پرورش تنها فراخوان جهت دریافت نظرات کارشناسان کشور از طریق درگاه وزارت آموزش و پرورش انجام پذیرفته است. با توجه به تعریف مشارکت در پژوهش‌های ارائه‌شده و اهمیت آن در شکل‌گیری حرکت‌های ملی می‌توان گفت که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در آینده با چالش مشارکت به صورت جدی مواجه خواهد شد، چرا که مخاطبان اصلی آن در مراحل تدوین و اجرای تحول بنیادین آموزش و پرورش تنها نقش مجری برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و یا مصرف‌کننده و دریافت‌کننده خدمات را خواهند داشت. در واقع این گروه عظیم نسبت به مقوله تحول و روند آن از نقش خودآگاه نبوده و یا در اجرای آن آمادگی لازم را نخواهند داشت و این آمادگی با برگزاری دوره‌های آموزشی و درس گروهی‌ها و غیره نیز محقق نخواهد شد، چرا که مشارکت حرکتی است منسجم و پیوسته که در کلیه مراحل ظهور تفکر تحول، شکل‌گیری گفتمان و ادبیات اجتماعی و اقدامات عینی در تحقق آن، نیازمند جدی‌اندیشه، باور و همراهی عینی مخاطبان خود است.



ب- تأثیر تحولات سیاسی و دولتی بر تحول بنیادین آموزش و پرورش

در اواسط دهه شصت دولت چهارم به منظور تحقق اهداف تربیتی انقلاب اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی را مأمور به مطالعه بر روی نظام آموزش و پرورش و ارائه طرح و برنامه‌ای در جهت تحول بنیادین آن می‌نماید. بدین منظور شورایی به عنوان شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش تشکیل گردید و مبتنی بر مبانی و اصول دینی و ملی کشور جمهوری اسلامی ایران کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را تدوین کنند تا ساختار و محتوای مدارس ایران بر اساس آن کلیات باز مهندسی شده و نظام جدید مبتنی بر اندیشه انقلاب اسلامی استقرار یابد. در نهایت طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران پس از طی مراحل مطالعاتی لازم در سال ۱۳۶۷ به تصویب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش می‌رسد. با پایان دولت چهارم و استقرار دولت پنجم طرح مذکور کنار گذاشته شده و نظام آموزش متوسطه با رویکردی کاملاً متفاوت از طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، به عنوان محصول مطالعات تطبیقی چند کشور خارجی از سوی دولت مورد تأکید واقع می‌گردد. بر اساس نتایج مطالعات ارائه شده، علی‌رغم نفی عملی طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران از سوی دولت پنجم و استقرار کمتر از ۸ ساله نظام آموزش متوسطه، مجدداً نظام آموزشی کشور در دولت هفتم تغییر یافته و با اعمال تغییراتی مختصر به نظامی شبیه نظام آموزش قدیم کشور تبدیل می‌گردد. جالب آن که در دولت دهم، هر دو نظام قدیم و جدید نفی گردید و علی‌رغم مخالفت بسیاری از کارشناسان نظام ۶-۳-۳ جایگزین نظام‌های گذشته شد. در خصوص معاونت پرورشی نیز علی‌رغم مبنای تأسیس این معاونت در دولت شهیدان رجایی و باهنر و تأکیدهای حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری، در دولت هفتم بر مبنای نظریه پرورش در حین آموزش و توأمان بودن این دو، معاونت پرورشی از ساختار وزارت آموزش و پرورش و مدارس ایران حذف گردید. در دولت هشتم پس از تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر کج‌سلیقگی در حذف معاونت پرورشی مجدداً طرح احیاء معاونت پرورشی در دستور کار دولت هشتم قرار گرفته و معاونت پرورشی در ساختار وزارت آموزش و پرورش و مدارس ایران احیاء می‌گردد. در همین رابطه موضوع ابلاغ شوراها دانش‌آموزی از سوی دولت هفتم و هشتم نیز گمانه سیاسی بودن اقدامات را پررنگ‌تر می‌نماید. بررسی سیر تحول نظام آموزش و پرورش در سال‌های گذشته حکایت از آفت تأثیر تحولات سیاسی و دولتی بر مسیر تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور داشته و از جمله چالش‌هایی است که در مسیر تحقق سند واقع خواهد شد. مجموعه همه مصادیقی که یاد شد دلالت بر این مطلب داشته که مادامی که آموزش و پرورش متأثر از تحولات سیاسی و دولتی در این سطح است، نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی از جنس این تغییرات و حتی گسترده‌تر از این‌ها مواجه خواهد بود. پاسخ به این سؤال که سند با پیش‌بینی چه اقداماتی به رفع این چالش مبادرت خواهد نمود، خود چالش دیگری است که با مطالعه فصل هشتم سند نمایان می‌گردد. چرا که در این فصل در خصوص نظام اجرایی سند تنها به چند گزاره کلی در سه بخش بسنده نموده و در خصوص رفع این چالش اقدام قانع‌کننده‌ای پیش‌بینی نشده است. گو اینکه تغییرات نظام آموزشی که تحت عنوان آفت تأثیر تحولات سیاسی و دولتی بر مسیر تحول بنیادین آموزش و پرورش ارائه گردید نیز از مسیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش انجام پذیرفته است.

ج- تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مسیر تحول بنیادین آموزش و پرورش

بر اساس نتایج تحقیقات، پدیده مهاجرت، نرخ رشد جمعیت، خروج دانش‌آموزان از مدرسه برای ورود به بازار کار و هم‌چنین ازدواج زودهنگام دختران از جمله تحولات اجتماعی کشور است که نظام آموزش و پرورش را در نیل به اهداف پیش‌بینی شده در برنامه اول و دوم توسعه با چالش مواجه گردانید. پدیده‌هایی که در حال حاضر نیز پس از گذشت حدود دو دهه هم‌چنان مورد توجه متخصصین علوم اجتماعی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی کشور است.



مصادیق فوق تنها به عنوان شواهدی جهت اثبات تأثیر تحولات اجتماعی بر نظام آموزش و پرورش ذکر گردید. مقوله جهانی شدن نیز پدیده‌ای چندبعدی است که از جمله ابعاد مهم آن تأثیرات فرهنگی و اجتماعی است و نتایج تحقیقات علمی در این خصوص نیز مورد اشاره واقع گردید. از مجموع نتایج یادشده می‌توان این استنباط را نمود که تحولات فرهنگی و اجتماعی به سرعت و با پیچیدگی بسیار نظام تعلیم و تربیت کشور را تحت تأثیر قرار داده و سند تحول را در مسیر تحقق با چالش‌هایی مواجه خواهد نمود. پاسخ به این سؤال که سند با پیش‌بینی چه اقداماتی به رفع این چالش مبادرت خواهد نمود، خود چالش دیگری است با مطالعه سند نمایان می‌گردد. چرا که در این خصوص به گزاره‌های کلی بسنده نموده و در جهت رفع چالش اقدام قانع‌کننده‌ای را پیش‌بینی ننموده است. در واقع مطالعه گزاره‌های سند نشان می‌دهد که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نسبت به سیر تحولات فرهنگی و اجتماعی مسکوت بوده و نسبت به نقاط چالش‌برانگیز این پدیده‌ها، از سیاست و راهبرد مشخصی برخوردار نیست و این موضوع از جمله عوامل و زمینه‌های چالش‌برانگیز در تحقق سند است.

د- تأثیر تحولات اقتصادی و تحول آموزش و پرورش

آنچه مسلم است کشور در یک عرصه بین‌المللی با تحولات اقتصادی از جنس نوسانات در حوزه‌های ارزی، قیمت نفت، صادرات، واردات و غیره است و نتایج تحقیقات ارائه‌شده نشان می‌دهد اقتصاد دولتی، آموزش و پرورش را نیز در این میان به چالش خواهد کشاند. این موضوع مدت‌ها در محافل علمی مورد بحث قرار گرفته، لیکن تاکنون اقدام مهمی در رفع آن انجام پذیرفته است. بدیهی است آموزش و پرورش متکی به درآمدهای دولتی صرف، با تحولات اقتصادی از پا در خواهد آمد و برای تحول به چالش کشیده خواهد شد. پاسخ به این سؤال که سند با پیش‌بینی چه اقداماتی به رفع این چالش به مبادرت خواهد نمود، خود چالشی دیگری است. مطالعه راهکارهای ذیل، هدف عملیاتی بیستم نشان می‌دهد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به این چالش پیش‌رو توجه نداشته و در خصوص آن جهت‌گیری و اتخاذ سیاست راهبردی گویا و پاسخگو را در پیش نگرفته است. خلأ نگرشی به آموزش و پرورش در پارادایم انقلاب اسلامی و نقش قوای سه‌گانه، نهادها و ارگان‌های کشور در تحقق اهداف آن یکی از زمینه‌های اساسی در تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نگرش کلان کشور و هم‌چنین نوع نگاه مجموعه‌های اثرگذار به آموزش و پرورش و نحوه برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اقدامات اجرایی، ارزیابی و نظارت و غیره بر آن است. در سطوح مدیریتی کشور به ویژه در سطوح عالی، نگرش کلان به آموزش و پرورش به عنوان یک مجموعه مصرف‌کننده است. در واقع نظام آموزش و پرورش یک مجموعه مولد و سرمایه‌ای محسوب نمی‌گردد و برای حل مشکلات خود مجبور به مقاومت در مقابل فشارها و سختی‌های مختلف اداری و اجرایی است. تا زمانی که در پارادایم انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش به عنوان یک مجموعه مولد و سرمایه‌ای و مدرسه به عنوان یک نهاد حاکمیتی با اهداف ویژه و مشخص دیده نشده و مورد حمایت واقع نگردد نه تنها شرایط تغییر ننموده، بلکه تحول بنیادین نیز مسکوک خواهد ماند. از جمله اثرات مترتب بر عدم نگرش سرمایه‌ای به آموزش و پرورش عدم همراهی همه دستگاه‌ها و نهادهای کشور در امر تحول است که بر اساس نتایج یادشده این مسئله کاملاً مشهود است.

نتیجه‌گیری

طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش از جمله مأموریت‌های ویژه شورای عالی آموزش و پرورش در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بوده است. در مسیر تحول بنیادین آموزش و پرورش شورای عالی انقلاب فرهنگی و در گام بعد شورای عالی آموزش و پرورش نقش مهمی را عهده‌دار می‌باشند. بر اساس نتایج تحقیقات، عملکرد ۳۰ ساله



شورای عالی آموزش و پرورش نشان می‌دهد بیش‌ترین تصمیم‌گیری این شورا به سمت مسائل غیر راهبردی است. سؤال این است که آیا این شورا می‌تواند نقش راهبردی در زمینه تحول بنیادین آموزش و پرورش ایفا کند؟

با وجود آن‌که طرح‌ها و لوایح قانونی مربوط به آموزش و پرورش قبل از طرح باید به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه شود، لیکن بارها انواع طرح و لوایح بدون طرح در شورای عالی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مجامع دیگر مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی مطرح و تصمیم‌گیری شده است و آیا شورای عالی با وضعیتی که تا کنون داشته است می‌تواند نقش کلیدی و محوری و راهبردی در مسیر تحول بنیادین آموزش و پرورش ایفا کند؟

بدون شک در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش باید نقش همه این دستگاه‌ها به صورت شفاف اشاره گردد. ضمانت‌های اجرایی سند و مسؤلیت‌های مستقیم هر کدام دستگاه‌ها باید به صورت شفاف اشاره شده و در صورت عمل نکردن به این مصوبات، راه‌کار اعمال قانون، اعمال نظارت و اصلاح مسیر مشخص گردد. درحالی‌که سند با آوردن بندهای کلی از کنار این مهم عبور کرده است. به فرض آن‌که وزیر آموزش و پرورش سالانه گزارشی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نماید، این گزارش تأثیری خواهد داشت؟ اگر مشخصاً برای دستگاه‌های دیگر احکام مجزایی در مسیر تحول بنیادین آموزش و پرورش به طور دقیق، مشخص صادر نگردد، حوزه نظارت و اصلاح روند با چالش مواجه خواهد شد و بین این مجموعه‌ها نقش شورای عالی آموزش و پرورش راهبردی‌تر به نظر می‌رسد، چه این‌که بستر مطالعات و تدوین طرح نیز در سال‌های گذشته بر عهده این شورا بوده است. سالیان متمادی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران از خلأ ناشی در حوزه مبانی نظری تعلیم و تربیت، نبود راهبردهای کلان و طرح و برنامه‌های بلندمدت رنج برده است. چالش‌های سیاسی، نظامی و نوپا بودن نهال انقلاب اسلامی علل اصلی در عدم رفع این نواقص بوده است. شاید به توان گفت به دلیل خلأهای نظری و عملی، سیاق اقدامات انجام‌شده در مسیر تعلیم و تربیت کشور، بیشتر معطوف به حوزه مطالعات تطبیقی و الگوگیری از نظام آموزش و پرورش کشورهای دیگر بوده و در عمل نیز در همین حد خلاصه گردیده است. تفاوت دیدگاه‌ها در بین صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت از مقوله اصلاح و باز تولید نظام آموزش و پرورش و عدم هم‌گرایی در سطوح عالی کشور، از جمله عوامل اصلی در کاهش سرعت حرکت بوده است.

۵- پیشنهادها:

۱. بررسی میزان هم‌سویی مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یا سند راهبردی تحول.
۲. بررسی میزان هم‌سویی مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با برنامه درسی ملی
۳. بررسی میزان هم‌سویی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با نقشه جامع علمی کشور.
۴. بررسی میزان موفقیت دوساله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در تحقق برنامه‌های پیش‌بینی‌شده.
۵. بررسی میزان تأثیرگذاری چالش‌های استخراجی پژوهش در تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در دو سال گذشته.
۶. بررسی میزان آشنایی مربیان و معلمان کشور با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۷. بررسی ابعاد اقتصادی و مالی سند در راستای تحقق اهداف آن



۶-مراجع

۱. امینی مشهدی، سمانه و غفاری، ابوالفضل (۱۳۹۲). تأملی بر رویکردهای تربیت ارزشی. نگاهی به جایگاه تربیت ارزشی و تحول آن در نظام آموزش و پرورش ایران. مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. شماره ۱-صفحه ۲۲.
۲. ایزدی، صمد و حاتم زاده، الهام (۱۳۹۰). مقایسه عملکرد دانش‌آموزان دوزبانه و تک‌زبانه در پایه دوم ابتدایی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی دوزبانگی و آموزش، چالش‌ها، چشم‌اندازها و راه‌کارها، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. شماره ۲۰۳-صفحه ۱۲.
۳. بنافی، مسعود و لطیفی، میثم (۱۳۹۱). تبیین الگوی نقشه راه و دلالت‌های آن در اجرایی شدن اسناد راهبردی ملی، فصل‌نامه راهبرد فرهنگ. شماره ۲۰۲-صفحه ۴۲.
۴. پایگاه اینترنتی اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۸۲). مصوبه تهیه سند ملی اصلاحات در آموزش و پرورش توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۵. پایگاه اینترنتی اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۸۲). مصوبه تهیه سند ملی آموزش و پرورش توسط وزارت آموزش و پرورش با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۶. پایگاه اینترنتی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۷. پایگاه اینترنتی شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۸). فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران.
۸. پایگاه اینترنتی شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). معرفی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۹. پایگاه اینترنتی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). گزارش اجمالی از روند تهیه و تدوین، اعتبار بخشی و تصویب سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. پایگاه اینترنتی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰). برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. پایگاه اینترنتی تبیان، انجمن تعلیم و تربیت (۱۳۹۰). توضیح چند مفهوم کلیدی و مهم درباره سند تحول آموزش و پرورش.
۱۲. خواجه جوزم، علی (۱۳۹۰). تحلیل نقش رسانه در سیاست‌گذاری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور با توجه به مفهوم تربیت در مبانی نظری سند. مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. شماره ۱-صفحه ۱۲.
۱۳. دژگاهی، صغرا (۱۳۹۲). بررسی تصویر زن مطلوب در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش. مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. شماره ۱-صفحه ۱۸.
۱۴. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸). ارزیابی بخش آموزش و پرورش در برنامه اول و دوم توسعه. پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۵. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸). گفتاری پیرامون راه‌کارهای عملی برای توسعه آموزش و پرورش، پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۶. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). مباحثی در اقتصاد آموزش و پرورش، پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



۱۷. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶). تحلیل عملکرد شورای عالی آموزش و پرورش در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی. پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۸. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). بحران منابع مالی آموزش و پرورش دلایل، پیامدها و راهبردهای اصلاحی. پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۹. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). نکاتی درباره کسری بودجه وزارت آموزش و پرورش. پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۰. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰). الزامات اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۱. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه قوانین آموزش و پرورش در هشت دوره مجلس شورای اسلامی ۵۹-۹۰. اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۲. دلاور، علی (۱۳۸۹). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی، انتشارات رشد. چاپ دوم، صفحه ۳۹.
۲۳. ذوعلم، علی (۱۳۸۸). برنامه درسی ملی گامی به سوی مدرسه زندگی، مدرسه زندگی از شعار تا نظریه. مجموعه مقالات همایش علمی برنامه درسی ملی، چشم‌اندازها و راهبردها. وزارت آموزش و پرورش. شماره ۱-صفحه ۶۴.
۲۴. زوار، تقی و پیری، موسی (۱۳۹۰). درآمدی بر لزوم تدوین برنامه درسی آموزش زبان فارسی در مناطق غیرفارسی‌زبان. مجموعه مقالات اولین همایش ملی دوزبانگی و آموزش، چالش‌ها، چشم‌اندازها و راه‌کارها و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. شماره ۱-صفحه ۴۲.
۲۵. سجادی، سید مهدی و اکبر زاده، فهیمه (۱۳۹۲). کدام گفتمان: (تحول در نظام تربیتی) یا ((نظام تربیتی تحول‌آفرین)) تحلیل انتقادی گفتمان چهار دهه تحول در نظام تربیتی بعد از انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. شماره ۴-صفحه ۶۳.
۲۶. سجادی، سید مهدی و حسین پور، سهیلا (۱۳۹۲). کارکرد متناظر با دانشوری در تعلیم و تربیت پارادایم اصیل در تحول بنیادین نظام تربیت، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. شماره ۱-صفحه ۳۷.
۲۷. شریف‌زاده، حکیم السادات و تاری، فضیلت (۱۳۹۲). جایگاه فناوری اطلاعات در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. شماره ۴-صفحه ۴۱.
۲۸. شریف‌زاده، حکیم السادات و یحیی زاده، رسول (۱۳۹۲). جایگاه دیدگاه هرمنوتیکی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. شماره ۴-صفحه ۵۴.
۲۹. شکاری، عباس (۱۳۹۲). تحلیل اثرگذاری فلسفه برنامه درسی چند فرهنگی بر خط مشی‌های نظام آموزش و پرورش ایران و نحوه رویارویی با مسائل و رویدادهای آن. مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. شماره ۴-صفحه ۴۱.